



شهید اوینی(فیلمساز) معلم (شاعر) امل احمد (نویسنده) حسن حسینی (شاعر) امیر حسین فردی (نویسنده)

نگاهی به آخرین کتاب شعر قادر طهماسبی(فرید): «پری بهانه ها»

اگر آه تو از جنس نیاز است ...

■امید صدراپی



یکی از ابعاد تحولات عظیم اجتماعی، تأثیرگذاری بر هنر و ادبیات آن جامعه است. به‌خصوص تحول بزرگی چون انقلاب که تمام شئون‌ات نظام اجتماعی یک کشور را دستخوش زیر و رو ساختن می‌کند. در کشور ما نیز دو واقعه مهم انقلاب و دفاع مقدس ششت ساله موجب پدید آمدن جریان‌ات جدیدی در عرصه‌های هنری و ادبی شدند. این تحول در دو حوزه شعر و سینما بیش از سایر عرصه‌ها در خ‌رخیده است. به طوری که طی ۳۰ سال گذشته دو جریان سینمایی دفاع مقدس و شعر دفاع مقدس، مهمترین و چشم گیرترین آثار را به فرهنگ کشورمان اعطا کردند.

در زمینه شعر، طی سه دهه اخیر، طیفی از شاعران با الهام از حقایق قدسی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، پویایی روشنی را در ادبیات فارسی برملا ساخته و اشعار ناب و خالصی را سروده اند. مرحوم قیصر امین پوری، علی معلم دامغانی، مرحوم سید حسن حسینی، علیرضا فروزه، قادر طهماسبی و ... از جمله این شاعران بوده اند.

قادر طهماسبی متخلص به «فرید» یکی از پیشقراولان این کاروان است. هنوز هم بسیاری از مردم، برخی از سروده های او را زمزمه می کنند، بی آنکه بدانند خالق این شعرها چه کسی است. و این از شاخصه های هنرمندان بزرگ و مانای تاریخ است که آثارشان بیش از نامشان در افواه شایع شده است.

با این حال او تاکنون هفت مجموعه شعر از خود به یادگار گذاشته است؛ «عشق بی غروب»، «به رنگ خون»، «شکوفه‌های فریاد»، «پری ستاره ها»، «پری شادگان»، «ترینه ها» و «پری بهانه ها». و البته یک رمان هم با عنوان «تلاوت» از فرید منتشر شده است.



«پری بهانه ها» آخرین کتاب شعر طهماسبی محسوب می شود که بخشی از سروده های به یادماندنی این شاعر در آن به چشم می آید. قبل از ورود به بحث کتاب باید گفت که طهماسبی یکی از شاعرانی است که شعر گفتن برایش بهانه است؛ وسیله است! او به دنبال بازی با کلمات و جادوی زبانی نیست، بلکه آتشی در سینه دارد که با شعر، شعله می کشد. به همین دلیل هم می‌سوزاند؛ هم دل عشاق را و هم زشتی‌ها را. پلشتی‌ها را.

همچنان‌که سخنان او درباره وضع ادبیات ن‌شانه بی‌زاری اش از روزمرگی و اسارت شعر در روزمرگی است؛«مسئله مهمی که شعر امروز باید با آن مبارزه کند، رواج هنر و ادبیات تجاری و مقطعی است که متأسفانه در سال‌های اخیر شیوع عجیب و غریبی یافته است. این هنر و ادبیات برای نام و نان و شهرت است و هیچ وقت نمی‌تواند ماندگار شود.»

درمندی، هویت اشعار قادر طهماسبی است؛ درد و نیاز، مضمون اصلی سروده‌هایش است. دردی که نه به نومی‌دی، بلکه به آگاهی شوق می‌بخشد و مخاطب را به سوی آرمان‌خواهی سوق می‌دهد. او خود در این باره گفته بود:«چگونه می‌توان با شکم‌های از خوشی برآمده شاعران امروز، به پرواز امید داشت؟» از نظر او، بی دردی یک ضعف بزرگ است. «توی بی دردی برو خود را ادب کن/ خود گیم کرده ای خود را طلب کن» هنر انقلاب اسلامی، یگانه متفاوتی است که رگه های آن را معنویت، اخلاقی، حماسه، عشق و عدالت خواهی تشکیل می دهد. اما همراه کردن همه این شاخصه‌ها در قالب یک شعر کلاسیک کار دشواری است. چراکه هر یک از قالب های شعر کهن فارسی برای یکی از این ویژگی‌ها مناسب است. به عنوان مثال غزل، زبان متناسب با عشق است و یا مثنوی، بیان حماسه است. قصیده، قالبی برای اشعار اخلاقی و تعلیمی است و ... اما در ادبیات انقلاب اسلامی، ترکیبی از این قالب‌ها با عنوان «مثنوی-غزل» ابداع

من به پاپوسی تو آمده‌ام

شهر گل‌دسته‌های رنگارنگ

شهر قم، آشیان آل‌الله

شهر علم و دیانت و فرهنگ

گنبد دلگشای تو از دور

در میان مناره‌ها پیداست

امتداد حضور آینه‌ها

در نگاه ستاره‌ها پیداست

آه بانو، بگیر دست مرا

که به جز تو مرا پناهی نیست

می‌توان با تو تا خدا کوچید

کز حرم تا بهشت راهی نیست

در پگاهی که با دو دست نیاز

به ضریحت دخیل می‌بندم

پر و بال نهایت خود را من

به پر جبرئیل می‌بندم

بس که شب‌ها ستاره می‌شمرم

آسمانی شده ست دامن من

جلال آل‌احمد، نویسنده

پسرکار، آگاه و بسیار پرتوان در سال ۱۳۰۲ در تهران به دنیا آمد. حاصل عمر کوتاه و پرتمرش دهکتاب آثار زنده در زمینه‌های گوناگون (داستان کوتاه، رمان، مقاله، سفرنامه، مشاهدات و ترجمه) است.

آثار جلال به دو دوره کاملا

مستقل و مشخص تقسیم می‌شود: دوره تأثیرپذیری و دوره تأثیرگذاری. با مرور داستان‌های کوتاه جلال و نگارش و آغاز و پایان‌ها و اوصافی که نویسنده در آنها به دست می‌دهد، از بزرگ علوی

آثار جلال به دو دوره کاملا مستقل و مشخص تقسیم می‌شود: دوره تأثیرپذیری و دوره تأثیرگذاری. با مرور داستان‌های کوتاه جلال و نگارش و آغاز و پایان‌ها و اوصافی که نویسنده در آنها به دست می‌دهد، از بزرگ علوی و صادق چوبک متأثر است. جلال تحت تأثیر ناصر خسرو، بیهقی و خواجه عبدالله انصاری و آثارش رنگ و بویی از آنها را دارد. از جنبه رگ‌گویی، متأثر از زان پل سارتز است. شایان ذکر است که جلال

در زمان خودش مورد تقلید قرار گرفت و این برای نویسنده امتیاز بزرگی است.



ایجازی که در کلام جلال آل‌احمد وجود دارد، یکی از مختصات و صور خیالی است که در شعر هم هست. خیال‌انگیزی، ایهام، کنایه، استعاره، و ایجاز از خصوصیات کل شعر زیباست و حال اینکه جلال این‌را در نثر به انجام رساند.

جلال را باید مبدع «نثر نو» بدانیم. نثری که او به‌کار برد موازین قدیم را شکست و از این‌زور جلال را باید بدعت‌گذار و سنت‌شکن در فنون نثر بدانیم. گرایش جلال به استفاده از واژه‌های کهن، که نمونه آن در «خسی» در میقات» وجود دارد، نشان از این است که به نثر کهن، نثر بیهقی و ناصرخسرو و سعدی توجه داشته است و می‌کوشد با صرفه‌جویی در به‌کار گرفتن واژه‌ها، معانی بسیاری بپوچد آورد. ولی کاری که آل‌احمد می‌کند باعث می‌شود که عده‌ای به او انتقاد کنند که چرا گاهی جمله‌ها را پا در هوا رها می‌کند.

به‌کارگیری فعل و واژه به جای جمله یکی دیگر از خصوصیات آثار آل‌احمد است. او در نگارش مطالب از شوق درونی پیروی می‌کند. گاهی در نثر، فعل بدون قرینه حذف می‌شود و در مواردی دیگر



ابوالفضل عالی (گرافیست) شهید رسول کاظم نژاد (عکاس) صفار زاده(نویسنده) حمید سبزواری(شاعر) مهرداد اوستا(شاعر) اکبر خلیلی(نویسنده) فرج‌الله سلحشور(فیلمساز) نسرالله مردانی (شاعر) سوده‌نسی فدائیان(گرافیست) علی‌نصیریان(بازیگر) مجید مجیدی (فیلمساز) حبیب‌الله معلمی(شاعر)

به مناسبت روز ولادت حضرت معصومه (س)

مجموعه اشعار شاعران در وصف حضرت معصومه (س) در قالب کتاب "در سایه‌ی بیت‌النور"

آه بانو، بگیر دست مرا

■ محمد غفاری

کز گناه است عاشقی کردن

گنه عالمی به گردن من

قطعه‌ای از بهشت خوب خدا

آشکارا به منظر حرم است

تا پیر برشکسته‌ی دل ما

تا همیشه کبوتر حرم است

این شعر از استاد محمد علی مجاهدی

(پروانه) حسن مطعی است برای کتاب «در

سایه‌ی بیت‌النور». مجموعه‌ای از گزیده شعر

شاعرانی که در ستایش همسایه بزرگوار خود

حضرت فاطمه معصومه(س) طبع‌آزمایی

کرده‌اند. شاعران اغلب جوانی که امروز نه تنها

در شهر خود، کم‌بلکه بی‌گمان در کشور از

بهترین و موفق‌ترین‌های امروز هستند و شعر

آیینی را با زیباترین و دلنشین‌ترین آثار خود

همراه می‌کنند.

ابتدای این مجموعه گذری است در

سایه‌سار حرم، قم از منظر تاریخی، قم از منظر

دینی و ولایی و قم از منظر ادبی و فرهنگی

سه بخش اصلی مقدمه‌ی استاد محمدعلی

مجاهدی بر این مجموعه است که «در سایه‌ی

ادیب جامع الاطراف:

جلال آل احمد

■ ناهید زندی پزوه

از وجه مصدری برای عرضه کردن تصویر و حالت استفاده می‌کند. در واقع بعضی قطعات جلال را می‌توان «شعر منثور» دانست.

جلال آل‌احمد به آثار نویسندگان روس علاقه‌مند بود و برخی داستان‌های جلال تحت تأثیر سرخسرو، بیهقی و خواجه عبدالله انصاری و آثارش رنگ و بویی از آنها را دارد. از جنبه رگ‌گویی، متأثر از زان پل سارتز است. شایان ذکر است که جلال در زمان خودش مورد تقلید قرار گرفت و این برای نویسنده امتیاز بزرگی است.

تمام داستان‌های سه‌تار درباره زندگی مردمان ساده‌ای است که قربانی شرایط ناپهناجر زندگی می‌شوند. در سه‌تار مردی پس از مدتها به آرزوی ساده‌اش- خرید سه تار- می‌رسد، اما پس از درگیری با مردی تمام آرزوهایش بر باد می‌رود.

موضوعات داستان‌های اولیه جلال از عمق به عمق نمی‌رود، به استثنای داستان «مرزوزن‌یاد» که شباهت‌های بسیاری به داستان‌های کوتاه



جان‌اشنان‌یک دارد.

جلال آل‌احمد در «مدیر مدرسه» محتوای کار را عوض کرد و الفاظ و بیان از صورت رسمی خارج شد.(مدیر مدرسه به «سنگی بر گور» (۱۳۶۰) و در مجموع سه اثر پایان می‌یابد؛ حوزه دیگر فعالیت کرده و قهرمان داستان با وی، تکن‌گازر و سفرنامه اوچی دنیا پی برده و مرگ خواهر خود را علی‌رغم تمامی تلاش‌های خانواده با چشم عیان دیده است.

در این داستان کوتاه طغیان علیه پوچی دنیا در لایه‌های زیرین متن به ط‌طری میهم- و پیچیده پنهان است که با نگاهی عمیق‌تر

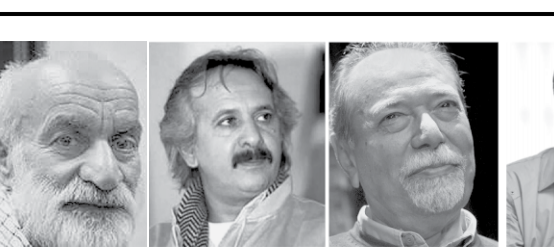
✽ در ادبیات معاصر، جلال به چند اعتبار ممتاز است: او تنها نویسنده‌ای است که خاستگاه روحانی شیعی دارد و در خانواده‌ای پرورش یافته است که به تعبیر سعدی، همه قبیله او «عالمان دین» بودند. او در حوزه‌های نجف‌اشرف درس طلبگی می‌خوانده است، و چه دیگر جلال توجه به حوزه‌های متفاوت نویسندگی است.



زبان و سپس به هدف شناخت آثار و پدپداورندگان و به‌ویژه به نیت اثبات دیدگاه‌های فکری خود به فارسی برمی‌گرداند.

در روزگار جلال باید می‌دانستی تا از روزگار عقب نمانی، و برای همین بود که جلال هم نویسنده بود و مترجم، زندگی برای او در دانستن خلاصه می‌شد و این دانستن چیزی نبود که آسان بدست آید. داستان کوتاه «خواهرم و عنکبوت»، سومین داستان از مجموعه پنج داستان (۱۳۵۰) جلال، بحق یکی از هنرمندانه‌ترین داستان‌های او در این مجموعه است که به اعتبار ساخت و پرداخت از یک سو و لایه‌های دوگانه، معنایی از سوی دیگر، اهمیتی خاص دارد، در این داستان آل احمد از تکنیک داستان در داستان استفاده کرده و قهرمان داستان با وجود آنکه به روشنی به وجود پوچی دنیا پی برده و مرگ خواهر خود را علی‌رغم تمامی تلاش‌های خانواده با چشم عیان دیده است.

در این داستان کوتاه طغیان علیه پوچی دنیا در لایه‌های زیرین متن به ط‌طری میهم- و پیچیده پنهان است که با نگاهی عمیق‌تر



شهید ابوبنی(فیلمساز) معلم (شاعر) امل احمد (نویسنده) حسن حسینی (شاعر) امیر حسین فردی (نویسنده)

کرده است و قیمت آن ۲۰۰۰ تومان است.

غزل «می‌رسی دوباره» از مریم

سقلاطونی، یکی از اشعار این

مجموعه در صفحه ۴۳ است که

با هم می‌خوانیم:

چهره‌های آشنا زیر ساعت

حرم

باز عصر جمعه‌ها زیر ساعت

حرم

اشتیاق آمدن شور و حال

پرزدن

لحظه‌های تا خدا زیر ساعت

حرم

آسمان، کبوتران... رفته

رفته بی‌کسی

می‌رسی دوباره تا زیر

ساعت حرم

باز عصر جمکران، عصر ندبه

وکمیل

موج می‌زند دعا زیر ساعت

حرم

چون پرنده بی‌قرار، منتظر نشسته‌ام

قول می‌دهی به ما زیر ساعت حرم

خسته‌ام و در به در، این قرق

شکستنی است

در غروب جمعه‌ها زیر ساعت حرم

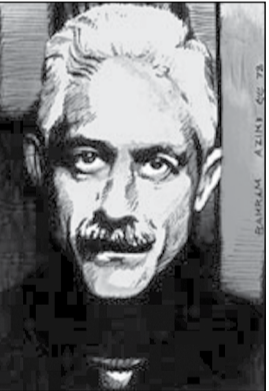
یادمان نمی‌رود ... جمعه‌ها سرفقار

روبه روی سخن، با زیر ساعت حرم

در خیانت و خیانت روشنفکران به جلال

■ علیرضا آل‌یمین

پای مرا مدیر مدرسه باز کرد به دنیای داستان و بعد سه تار را دست گرفتم و بزرگ تر که شدم زن زیادی، کار را رساند به غرب‌زدگی و بعدتر در خدمت و خیانت روشنفکران، تکلیفم را روشن کرد. با جلال ابتدا یک دوره نگاه انتقادی به مذهب را پشت سر گذاشتم تا عقل‌رس شدیم و خسی در میقات را دست گرفتیم که به اعتماد اعتقادی و پس از آن تبعیدی در مذهب برسیم و وقتی سمنان به مقالاتش رسید برخورد انتقادی با غرب و مقهوران فرهنگ غربی را از غرب زدگی و در خدمت و خیانت روشنفکران آموخیشیم. زبان تند و تیز جلال که جملاتش را نیز به جنبش و می‌دارد تلاطمی در جریان اندیشه بسیاری از کسانی انداخت که جوانی شان را طی ۵۰ سال گذشته پشت سر گذاشته اند. آل‌احمد با پشت سر گذاشتن دوره های مختلف فکری در طول زندگی اش به سیالیت خردمندانه‌ای دست یافت و در سال‌های پایانی عمر خود به‌مثابه وجدانی برای جریان روشنفکری سرخورده از کودتای ۲۸ مرداد و جا مانده از جریان مردمی و مذهبی ۱۵ خرداد رفتار کرد. چه توده و پس از آن، وانهادن نیروی سوم با نون والقم. تبلور عقایدش را به رخ کشید. غرب زدگی را فراخوانی از دوستان و دشمنانش باید دانست برای مرز بندی و براتث از مدرنیست ی وارداتی که افسار گسیخته حتی اخلاق را نیز به بهانه سنت زدگی گردن می‌زند.



اکنون بیش از چهار دهه از مرگ جلال می‌گذرد اما هنوز برآیند آثار و احوال وی در مرگش

عمر و خصوصا پس از مرگش و بیشتر از آن پس از پیروزی انقلاب اسلامی باعث جنگ و جدال جماعت روشنفکران با این روح آگاه زمان شده است. بسیاری از هم دوره‌ای‌های جلال که مانده اند، مهر شاکردی او را بر کارنامه‌اشان دارند. دو زانو نشسته اند و درس گرفته اند اما پس از مرگ او حق استادی نگه نداشتند و هرچه بیشتر مو سفید کردند برای آنکه سری در سرها در بیابوند علیه او لجن پراکنندند.

با نگاهی به مطبوعات وابسته به روشنفکری طی یک سال اخیر شدت حمله آن‌ها کاملا آشکار می‌شود. اتفاقا آن قدر جلال‌کنی برای آن‌ها اهمیت دارد که اغلب مطالب مربوط به نقد که نه، فحاشی به آل‌احمد را با تیتز درشت روی جلد کار می‌کنند.یکی از این مجلات تبلیح مصلحه ای با یک کارشناس داستان نویسی تلاش کرده بود ثابت کند که ارزش آثار داستانی جلال صرفا در نثر اوست و البته بنا داشت که این عقیده را به کارشناس هم حفته کند که چندان به مراد نرسید.

یا سمله دیگری نقل کرده بود از زبان یکی از نویسندگان روشنفکری که حکم مرید جلال را داشته، که به! جلال ما را وادار و تحریک می‌کند که جسات ادبی را به هم برمدی و اخیرا هم یکی دیگر از همین طایفه در گفت وگویی تازه است که غرب‌زدگی جلال و موضع گیری این کتاب را در برابر غرب ناشی از عدم شناخت آل‌احمد از غرب دانسته است. جالب اینکه تمام مطالب فوق با تیتز درشت روی جلد این مجلات کار شده اند. گفت وگو کننده تلاش کرده از مصلحه شونده حرفی هر چند ناقص و ضعیف علیه جلال بیرون بکشد و آن را در بلندگو کند که جلال هم خیری نبوده است.

این عداوت جریان روشنفکری را آل‌احمد یکی درد ناشی از زخم التیام نیافته ای است که اینان از رویگردانی جلال از اطوار فکری این جماعت خورده‌اند و دیگری هم بابت مورد توجه واقع شدن جلال در محافل مردمی و مذهبی است. یعنی همه آنچه در تعارض با منش روشنفکرانه است، چه آنکه مردمی بودن را پوپولیسیسم و عوام زدگی می‌دانند و مذهبی بودن را معادل دکماتیسیم و مرتجع بودن می‌گیرند. مقبولیت آل‌احمد پس از انقلاب اسلامی هم مضاف بر این هاست. انقلابی که هم مردمی است و هم مذهبی.

اما کاش اینان چنان فهم و هوشیاری داشتند که به جای

تاختن در جلال تلاش می‌کردند تا او را به عنوان یکی از معدود اسناد افتخار جریان روشنفکری در ایران برای خود حفظ کنند.

هر چند در صورت انتساب او به جماعت روشنفکر، تن جلال در گور بی سنگش خواهد لرزید.